



تحقق انتقان آراء قضائی در سند تحول قضائی مبتنی بر نهاد حقوق عامه

صادق تازی وردی*، محمدحسین صادقی**

چکیده

زمینه و هدف: انتقان آرای قضائی از جمله ضرورت‌های نظام قضائی عادلانه به شمار می‌رود که فراگیر شدن آن در ردیف پیش‌نیازهای اساسی تحول قوه قضائیه دانسته شده و تحقق آن، ارتقای کیفیت دادرسی و نتیجتاً تضمین امنیت قضائی شهروندان را در پی خواهد داشت. از این‌رو با توجه به اهمیت انتقان آراء در نظام حقوقی و به‌عنوان یکی از مطالبات حقوق عامه از نظام قضائی، هدف اصلی این پژوهش بررسی راهبرد اصلی سند تحول قضائی و سازوکارهای پیش‌بینی شده در آن برای انتقان بیشتر آراء و نیز بیان موانع و مشکلات موجود در آن در تحقق احیا و ارتقای حقوق عامه از حیث انتقان آراء و آثار ناشی از آن است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به‌صورت توصیفی تحلیلی است. **یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در سند تحول، در راستای احیا و ارتقای حقوق عامه استفاده از فناوری‌های هوشمند و ایجاد شفافیت در فرایند صدور آراء و تصمیمات قضائی صدور آراء و تصمیمات قضائی متقن مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی حکایت از آن دارد در سند تحول قضائی به‌منظور انتقان آراء پیش‌بینی شده که قضات در فرایند رسیدگی و صدور حکم، به اطلاعات موردنیاز اشخاص پرونده دسترسی یکپارچه هوشمند داشته باشند. همچنین پیش‌بینی استفاده از فناوری‌های هوشمند و نوین در فرایند صدور آراء و تصمیمات قضائی یکی از راهبردهایی است که در رسیدگی به تظلمات، تعدیلات،

* قاضی دادگستری و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

tariverdi2011@gmail.com
msadeghi109@gmail.com

** قاضی دادرسی دیوان عالی کشور، تهران، ایران

دعای و رفع خصومات در راستای تضمین امنیت قضائی و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مطالبات عمومی از دستگاه قضائی در سند مذکور مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

واژه‌گان کلیدی: اتقان آراء، سند تحول قضائی، فناوری‌های هوشمند، حقوق عامه.

مقدمه

امروزه تحول قضائی به عنوان بایسته‌های قضا و حکمرانی قضائی در هم‌ترازی با گام دوم انقلاب، آن را به اولویت انکارناپذیر قوه قضائیه تبدیل نموده است. در همین راستا قوه قضائیه در دهه پنجم انقلاب اسلامی باید بتواند هم‌راستا با گام دوم انقلاب حرکت کند و به سند مذکور به‌عنوان یکی از مطالبات عامه از قوه قضائیه جامه عمل بپوشاند. یکی از مؤلفه‌های تحقق این گام، ارتقا و کارآمدی نظام قضائی در سند تحول قضائی است. سند تحول قضائی، سندی است که از تمام ظرفیت‌های نظام برای تحول در قوه قضائیه و فعال‌سازی ظرفیت‌های قانونی برای کمک به حل مؤثر چالش‌های کشور، در جهت تحقق هدف افزایش رضایتمندی مردم و برقراری عدالت در جامعه استفاده می‌کند. از مهم‌ترین عوامل ارتقا و کارآمدی نظام قضائی می‌توان به اهمیت انتقاد آراء قضائی در سند تحول قضائی با تأکید بر حقوق عامه از نظام قضائی اشاره نمود.

با این مقدمه که امروزه انتقاد آراء قضائی از جمله مهم‌ترین چالش‌های قوه قضائیه به شمار می‌آید و این امر همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب و یکی از مهم‌ترین اهداف سند تحول قضائی بوده است، استفاده از فناوری‌های هوشمند و نوین در فرایند صدور آراء و تصمیمات قضائی یکی از راهبردهایی است که در رسیدگی به تظلمات و دعاوی و رفع خصومات در جهت انتقاد آراء در سند تحول قضائی مورد توجه قرار گرفته است.

فرضیه‌ها در این پژوهش براساس پاسخ به چند پرسش اساسی شکل می‌گیرد؛ نخست اینکه راهبرد اصلی سند تحول قضائی برای انتقاد آراء چیست؟ چه سازوکارهایی برای انتقاد بیشتر آراء در سند تحول قضائی پیش‌بینی گردیده است؟ موانع و مشکلات موجود در سند تحول قضائی در جهت انتقاد آراء چه می‌باشد؟ فرضیه ما در این پژوهش براساس پاسخ به پرسش‌های اساسی چنگانه پیش‌گفته شکل می‌گیرد. لازم به توضیح است هرچند در خصوص سند تحول قضائی مقالاتی توسط پژوهشگران به رشته تحریر درآمده لیکن با بررسی پیشینه تحقیق تا به امروز تحقیقاتی در خصوص انتقاد آراء قضائی در سند تحول قضائی مبتنی بر نهاد حقوق عامه انجام پذیرفته و در نوع خود بدیع و بدون سابقه پژوهش است.

چیزی و عناصر انتقاد آراء قضائی

کلمه «انتقاد» از ریشه «انتقن» به معنای استحکام، دقت، و موشکافی در انجام کارها است (عمید، ۱۳۹۹، ۵۴) و در مفهوم اصطلاحی مطابق با اصل ۱۶۶ قانون اساسی احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

ازمنظر حقوقی مطابق ماده ۲ دستورالعمل ارزیابی انتقاد آراء قضائی مورخ ۹۹/۱۰/۲۹ رئیس قوه قضائیه؛ رأی متقن ضمن تنظیم گردش کار مستقل، دارای ساختاری به شرح زیر است:

(الف) مقدمه: شامل مواردی از قبیل مشخصات اصحاب دعوی، وکلا یا نمایندگان قانونی آنان، موضوع درخواست، بیان فرایند دادرسی، توصیف دقیق رفتار ارتكایی، نحوه شروع به تعقیب، عنوان اتهامی، زمان و محل وقوع آن، خواسته خواهان یا شاکی و تغییرات احتمالی آن، بیان ایرادات، دفاعیات و دلایل طرفین؛ (ب) بدنه اصلی رأی: شامل مواردی مانند ارزیابی ادله، دفاعیات و مستندات طرفین، تطبیق دقیق رفتار ارتكایی با اعمال یا وقایع حقوقی با عناوین قانونی به‌طور مستقل، رد یا پذیرش مستقل دلایل، ذکر مستندات، اعم از مواد قانونی، قواعد فقهی، منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر یا اصول حقوقی و انشای حکم یا قرار؛ (پ) قسمت پایانی: شامل اعلام حضوری یا غیابی بودن رأی، قطعیت یا قابل اعتراض بودن آن، مهلت و مرجع رسیدگی‌کننده به اعتراض، مرجع رسیدگی، نام، نام خانوادگی، سمت و امضا قاضی یا قضات صادرکننده رأی و تاریخ صدور رأی است. همچنین مطابق ماده ۳ دستورالعمل ارزیابی انتقاد آرای قضائی شاخص‌های رأی متقن حسب مورد عبارت است از: (الف) رعایت قوانین و مقررات مربوط به صلاحیت مراجع قضائی از قبیل ذاتی، محلی و صلاحیت شخصی قاضی؛ (ب) متکی بودن رأی بر تبیین مبانی استنباط، دلایل معتبر یا ذکر دقیق آن‌ها در متن رأی، ازجمله انعکاس مفاد شهادت شهود و مطلعان و ذکر امارات و قراین یا اظهارات شهود یا مطلعان، عین اظهارات دربردارنده اقرار و تحلیل یافته‌ها (مستدل بودن)؛ (پ) ذکر مواد قانونی و مقررات و در صورت خال آن، استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر و اصول حقوقی (مستند بودن)؛ (ت) عقلانی، منطقی بودن و قدرت اقناع‌کنندگی رأی که در نتیجه قوت استدلال و تفسیر، منجز بودن، عدم تناقض و تضاد در مفاد رأی و عدم استناد به اصول یا مواد متضاد حاصل می‌شود (موجه بودن)؛ (ث) جامعیت، شفافیت، نبود ابهام و اجمال، ازجمله در تعیین مجازات قابل اجرا و تعیین محکوم‌به رد عین، مثل یا قیمت و نیز نوع و میزان مسئولیت هر یک از محکوم‌علیه‌ها، تعیین تکلیف نسبت به اموال ناشی از جرم، صدور رأی یا اتخاذ تصمیم مقتضی نسبت کلیه اصحاب پرونده و همچنین اتهامات متهم، شکایات یا خواسته‌های مطروحه در پرونده (صریح و شفاف بودن رأی و موضوع آن)؛ (ج) قید حضوری یا غیابی بودن، قطعیت یا قابل اعتراض بودن رأی و مهلت و مرجع رسیدگی به اعتراض (توصیف وضعیت رأی)؛ (چ) دارا بودن اثر روان و قابل فهم برای مخاطب و رعایت اصول نگارش فارسی؛ (ح) منسجم بودن رأی به نحوی که استدلال و استناد رأی با نتیجه آن مغایر نباشد؛ (خ) رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات؛ (د) تناسب در صدور قرارها و تعیین مجازات و اقدامات تأمینی؛ (ذ) بهره‌گیری دقیق از مقررات مربوط به تخفیف یا تشدید مجازات؛ (ر) استفاده صحیح و مناسب از نهادهای ارفاقی، مانند خودداری از تعقیب متهم، تعلیق یا ترک تعقیب، ارجاع به میانجیگری، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، معافیت از کیفر و اعمال مجازات جایگزین حبس؛ (ز) دادرسی و

صدور رأی در چارچوب کیفرخواست یا اتهامی که به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود و رعایت اقتضائات مربوط به تغییرات احتمالی عنوان اتهام در فرایند دادرسی در دادگاه، ازجمله ضرورت اخذ دفاعیات متهم؛ (ژ) صدور رأی در چارچوب خواسته خواهان باتوجه به تغییرات احتمالی آن (ماده ۳ دستورالعمل ارزیابی انتقاد آراء قضائی).

۱. اهمیت انتقاد آراء قضائی و نقش آن در تحقق حقوق عامه

امروزه نگارش رأی مستحکم و مستدل به‌عنوان حاصل دادرسی دارای اهمیت بالایی است. انتقاد آراء قضائی ازجمله ضرورت‌های نظام قضائی عادلانه و به‌عنوان یکی از مطالبات حقوق قضائی مردم از دستگاه قضا به شمار می‌رود که فراگیر شدن آن در ردیف پیش‌نیازهای اساسی تحول قوه قضائیه دانسته شده و تحقق آن، ارتقای کیفیت دادرسی را در پی خواهد داشت. در جهت دستیابی به این مهم، اصول ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تصریح به لزوم مستند و مستدل‌بودن آراء صادره دادگاه‌ها نموده است (ذبیحی، ۱۴۰۱: ۱۱۸). امروزه یکی از معضلات موجود فعلی نظام قضائی این است که آراء صادره از انتقاد لازم برخوردار نیستند و در طول سال‌های اخیر نیز این روند سیر مطلوبی را طی نکرده است.

اهمیت انتقاد آراء به حدی است که در قوانین اساسی کشورهای مختلف این امر مورد شناسایی واقع شده است. حتی در برخی از کشورها، کمیسیون‌ها یا شوراهای صدور رأی قضائی ایجاد شده تا اصول راهنما و قواعد ناظر بر صدور رأی و شیوه اصدار آراء را تعیین کرده و بر آن نظارت کنند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۱۶۶ به لزوم مستدل‌بودن احکام دادگاه‌ها تأکید شده است. ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز الزام می‌دارد که رأی دادگاه باید مستدل و موجه باشد. بند ۱ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ به‌عنوان یک ضمانت اجرا، صدور آراء غیرمستدل را یکی از تخلفات انتظامی برای قضات قلمداد کرده است.

در همین راستا دستورالعمل ارزیابی انتقاد آراء قضائی (بخشنامه شماره ۱۴۷۱۷۲/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۹) در راستای اجرای بند (د) ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مبنی بر ارتقای شاخصه‌ای توسعه حقوقی و قضائی در طول اجرای قانون برنامه و در راستای تأکیدات مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت انتقاد آراء قضائی و فراگیر شدن آن و نیز نظارت کیفی بر نحوه عملکرد قضائی و افزایش صدور آراء متقن و مستحکم به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است. این مهم از طریق آموزش صحیح و به‌عبارتی ارائه دقیق معیارها و ضوابط انشای رأی متقن صورت می‌پذیرد که در سیاست‌های کلی امنیت قضائی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری در جهت

تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت مورد تأکید قرار گرفته است. از طرفی اصل امنیت قضائی به عنوان یکی از مهم ترین مطالبات حقوق عامه به یکی از اصول مهم در فرایند قضائی تبدیل شده است که از مهم ترین مؤلفه های آن برای تحقق این هدف اتقان آرای قضائی است که اگر به درستی اعمال شوند، می توانند موجبات ایجاد وضعیتی را به نام «امنیت قضائی» فراهم کنند و درواقع، تضمین کننده عدالت قضائی و تأمین کننده سایر مصادیق حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز خواهند بود. در این راستا، آنچه بیش از پیش اهمیت می یابد، عملکرد صحیح، قانونی و بدون تبعیض دستگاه قضائی کشور، در راستای دستیابی به این مهم خواهد بود، زیرا فقط در این صورت است که اطمینان خاطر شهروندان نسبت به عدم تضییع حقوق قانونی شان، به حد مطلوب می رسد.

۲. مهم ترین سازوکارهای پیش بینی شده برای تقویت اتقان آراء در سند تحول قضائی

۱-۲. شناسایی هوشمند آراء متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص
اولین چالش نظام قضائی در سند تحول قضائی «غیر متقنون بودن برخی از آراء و تصمیمات قضائی» است که اولین عامل بروز آن «تعارض، ابهام و نقص قوانین و مقررات» قید شده و راهبرد پیشنهادی برای رفع آن نیز «شناسایی هوشمند آرای متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص» است. باتوجه به اینکه قوانین از قواعد حقوقی تشکیل شده اند، لذا هرچه میزان قواعد حقوقی مبهم، بیشتر باشد، به همان اندازه، قوانین نیز مبهم می شوند (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۷). یکی از مشکلات موجود در دستگاه قضائی تعارض، ابهام و نقض قوانین و مقررات است. مسیر اصلی اصلاح برای حل این مشکل در سند تحول، شناسایی هوشمند آراء متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص است. در حقیقت فناوری های هوشمند همان کار تقنین قوانین را عهده دار هستند؛ زیرا تقنین، تشخیص قانون حاکم و لازم الاجراست، در جایی که تورم قوانین، تعارض چند قانون باهم، پیچیدگی قوانین و... مجریان و مخاطبان اصلی حقوق را با دشواری تشخیص قانون حاکم، مواجه می کند (پروین و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۵). یکی از مهم ترین کارکردهای سازوکار یادشده تحقق اصل امنیت حقوقی، به واسطه شناسایی هوشمند آراء متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص است. اهمیت این موضوع زمانی هویدا می گردد که مؤلفه های ناامنی حقوقی مانند تورم قوانین، وجود قوانین پراکنده، مجمل، مبهم، متروک، تعارض چند قانون باهم، پیچیدگی قوانین و... در یک نظام حقوقی پدیدار شود. در این وضعیت، تشخیص قوانین و مقررات معتبر و لازم الاجرا، بسیار مشکل و پیچیده است. تقنین قوانین و مقررات کشور به صورت هوشمند این امکان را فراهم می کند تا نظام سازمان یافته های از قوانین ایجاد شود و به واسطه آن حقوق بیشتر و بهتر و به دور از آشفتگی دیده شود.

چراکه تسهیل آگاهی عامه مردم به قواعد و موازین قانونی و تشخیص حد و مرز و کم و کیف حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی خود و بازشناخت دگرگونی‌های آن موجب ایجاد امنیت حقوقی است. براین اساس به منظور تحقق این راهبرد، راهکارهای مختلفی در نظر گرفته شده است که شامل ایجاد سامانه آراء متعارض با امکان جمع‌سپاری ثبت مصادیق آراء متعارض و داده‌کاوی اطلاعات و ایجاد سامانه مدیریت پرونده به منظور افزایش صدور آراء وحدت رویه است. راهکار دیگر که در سند تحول برای این مشکل در نظر گرفته شده، شناسایی قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص با داده‌کاوی اطلاعات، سامانه آراء متعارض با تمرکز بر قوانین مرتبط با ده عنوان اولویت‌دار جرائم و دعاوی و پیگیری تقیص و اصلاح قوانین با ایجاد زیرساخت حقوقی لازم است. مسئولیت اجرای این راهکارها برعهده معاونت حقوقی و امور مجلس، دیوان عالی کشور، دادستانی کل کشور و مرکز آمار و فناوری اطلاعات واگذار گردیده است.

۲-۲. تخصصی‌نمودن فرایندهای رسیدگی

دومین عامل «نقص در زیرساخت‌های مؤثر برای صدور آراء و تصمیمات متقن» است که اولین راهبرد برای آن تخصصی‌کردن فرایندهای رسیدگی شامل تدوین و پیگیری تصویب آیین‌های دادرسی تخصصی با اولویت آیین دادرسی تجاری و آیین دادرسی خانواده ایجاد شعب تخصصی رسیدگی با ساختارهای متناسب با اولویت دعاوی خانواده و دعاوی تجاری در نظر گرفته شده است. امروزه در پی تکامل و پیچیده‌تر شدن روابط میان اشخاص، تخصص‌گرایی در رسیدگی به دعاوی و اختلافات میان آن‌ها، امری انکارناپذیر است؛ چرا که از رهگذر رسیدگی‌های دقیق و تخصصی به دعاوی، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود و رویه‌های قضائی ارزنده‌ای از دادگاه‌ها برجای می‌ماند که باعث پیشرفت دستگاه قضائی کشور و در نتیجه تحقق هرچه بیشتر عدالت در جامعه می‌گردد. در راستای تحقق این امر و ایجاد زمینه‌ای برای دادرسی‌های تخصصی و دقیق، دادگاه‌های خانواده، دادگاه‌های ویژه اطفال، دادگاه‌های اقتصادی و محاکمی از این دست، در نظام قضائی ایران وارد شده است تا این حوزه‌ها را که به دلیل حساسیت و پیچیدگی امور، نیاز به بررسی‌های تخصصی و دقیق دارند، از سایر حوزه‌ها متمایز سازند. یکی از حوزه‌های دادرسی که به دلیل پیچیدگی موضوعات، عناوین و دعاوی، نیاز مبرم به دادگاه‌های اختصاصی دارد، حوزه دعاوی خانواده و تجاری است؛ چرا که ماهیت امور و دعاوی خانواده و تجاری، سرعت و دقت فراوان در رسیدگی را می‌طلبد. به علاوه، تخصصی‌بودن این حوزه‌ها، لزوم وجود تخصص‌های مرتبط - در کنار تخصص حقوقی - را برای رسیدگی به این نوع دعاوی بیش از پیش نمایان می‌سازد. باین وجود، در کشور ما هر چند محاکم خانواده به عنوان محاکمی اختصاصی و تخصصی در حال رسیدگی به دعاوی

خانواده هستند، لیکن تا به امروز محاکم تخصصی، با قضاتی متخصص و آشنا با امور تجاری تحت عنوان «دادگاه‌های تجاری» وجود ندارد.

پیچیدگی و فنی بودن دعاوی مستلزم این است که شعب به‌صورت تخصصی توسط قضات آشنا به مقتضیات رشته مربوطه به این نوع از دعاوی رسیدگی نمایند که این امر، دلیلی بر لزوم تأسیس محاکم اختصاصی در نظام قضائی کشور است. این نوع از دادگاه‌های عمومی که در نظام حقوقی ایران به دادگاه‌های تخصصی مشهوراند، علاوه بر صلاحیت خاصی که نسبت به موضوع تخصصی دارند، صلاحیت عامشان که ناشی از دادگاه عمومی بودنشان است، نیز به قوت خود باقی است (گلدوست و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۶).

دادگاه تخصصی یکی از ضرورت‌های دادگستری نوین است. تأسیس شعبه‌هایی برای اشخاص خاص بعضاً امکان تحت‌تأثیر قراردادن دادگاه را افزایش می‌دهد اما دادگاه‌های تخصصی که به موضوعات معین مربوط است؛ نظیر دعاوی تجاری و خانوادگی از اقدام‌های سازنده‌ای است که به سبب تخصصی شدن رسیدگی‌ها موجب افزایش ضریب اعتماد و امنیت قضائی شهروندان خواهد شد. تخصصی کردن محاکم در نظام قضائی ایران در سال‌های اخیر مورد توجه مسئولان ارشد کشوری قرار گرفته است، به طوری که اداره محاکم براساس تخصص و تجربه در سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی نظام در بند ۴ سیاست‌های کلی قضائی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری و تصویب‌شده در پنجم آذر ۱۳۸۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام گنجانده شده است که این امر نشان‌دهنده اهمیت رسیدگی تخصصی به اختلافات می‌باشد. تخصصی شدن شعب محاکم می‌تواند یکی از محورهای شاخص در توسعه قضائی کشور محسوب گردد تا متداعیین از رسیدگی یک قاضی مسلط به موضوع تخصصی حصول اطمینان نمایند.

در حقیقت، تشکیل و تقویت محاکم تخصصی، موجبات تخصصی‌تر شدن رسیدگی در شعب را فراهم می‌آورد. همچنین، انتشار مجموعه‌ای از آرای شعب و کمیسیون‌ها، عملاً منجر به یکسان‌سازی استنباط قضات از قوانین و مقررات و پیشگیری از بروز تشتت میان آراء و درنهایت، ایجاد رویه قضائی منسجم در شعب خواهد گردید (فاطمی و جلالی، ۱۳۹۴: ۷۵).

همچنین تخصصی شدن امور قابل تسری به هیئت عمومی دیوان عالی و دیوان عدالت اداری نیز خواهد بود؛ زیرا رسیدگی به موضوعات در صلاحیت هیئت عمومی دیوان (صدور رأی وحدت‌رویه) به جهت عدم امکان مشارکت مؤثر همه اعضا در رسیدگی و صدور رأی، نامشخص بودن صادرکنندگان رأی، عدم اشاره به نظر اقلیت هیئت عمومی و اطلاع رسیدگی‌ها از مشکلات عدم رسیدگی به‌صورت تخصصی و ویژه در هیئت عمومی دیوان عالی و عدالت اداری می‌باشد.

۲-۳. بهره‌گیری از ظرفیت متخصصان در صدور آراء و تصمیمات متقن

اختصاصی کردن دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی، ضرورتی است که امروزه در جهان مورد توجه قرار گرفته است. این ضرورت گاه برخاسته از اهمیت موضوع دعوی و گاه ناشی از پیچیدگی آن است (اسدی، ۱۳۸۶: ۹). دادگاه تخصصی نیازمند قاضی تخصصی و ابزارهایی است که قاضی بتواند با به‌کارگیری آن‌ها اهداف وجودی دادگاه را برآورده سازد.

دومین راهبرد برای اِثقان آراء و تصمیمات قضائی شناسایی متخصصان مبتنی بر صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی، حرفه‌ای و ضوابط انتخاب اصلح، ایجاد امکان اخذ مشاوره تخصصی از متخصصان با تشکیل هیئت‌های تخصصی مشاوره در پرونده‌های مهم و خاص یا اولویت دعاوی مرتبط با موضوعات اقتصادی و خانواده با اصلاح قوانین و مقررات مربوط است.

حضور مشاور قضائی یا قاضی مشاور در دادگاه‌های خانواده و اطفال و نوجوانان و به‌موجب لایحه آیین دادرسی تجاری که هنوز مصوب نشده در دادگاه‌های تجاری پیش‌بینی شده است. شاید بتوان ضرورت پیش‌بینی مشاور قضائی را حساسیت حوزه فعالیت این محاکم عنوان کرد. باید توجه داشت که مشاوران قضائی دادگاه‌های مختلف، در یک ردیف نیستند و بسته به هدفی که از پیش‌بینی آن‌ها مدنظر بوده است واجد اوصاف و شرایط متفاوتی اند. برای مثال؛ برای مشاوران قضائی دادگاه خانواده جنسیت اهمیت دارد که بایستی این مشاوران قضائی، زن باشند؛ زیرا حضور قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده که نیمی از مراجعان آن بانوان هستند، سبب آرامش روحی و اطمینان خاطر بانوان می‌شود. مضافاً که بانوان مراجعه‌کننده مشکلات خود را راحت‌تر می‌توانند به فردی از جنس خودشان بازگو کنند و این قضاات مشاور زن با نظر مشورتی که به قاضی می‌دهند می‌توانند کمکی در جهت تأمین و ارتقای حقوق افراد مراجعه‌کننده به این محاکم نمایند. (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۵: ۱۴ و برای مطالعه بیشتر ر. ک: چوبک: ۱۳۷۷).

ضرورت وجود و پیش‌بینی مشاوران قضائی در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان نیز قابل درک است. این قشر، قشر آسیب‌پذیری است و همین حساسیت و آسیب‌پذیری ایجاب می‌کند تا تدابیر لازمه جهت حمایت از آنان به‌عمل آید (اسدی، ۱۳۸۲: ۳۷).

به‌همین ترتیب مشاوران قضائی دادگاه تجاری نیز که از بین تجار فعال اتاق‌های بازرگانی انتخاب می‌شوند با اینکه تحصیل‌کرده حقوق نیستند و پایه قضائی ندارند، شاید در آن موضوع تجاری از یک قاضی تازه‌کار متبحرتر باشند. این تجار با توجه به اینکه دعاوی تجاری قبل از اینکه حقوقی باشند، اقتصادی و تجاری هستند، بهتر می‌توانند عرف خودشان را درک بکنند و در این زمینه به‌عنوان مشاور قضائی در نزدیک‌کردن رأی به واقع و صدور آراء متقن مؤثر واقع شوند. در لایحه آیین دادرسی تجاری

برای هیئت مشاوران یک رأی در نظر گرفته شده در حالی که در متون قانونی دیگر به نظر مشورتی مشاور قضائی اشاره شده است. رأی و نظر مشورتی مفاهیمی بسیار متفاوت هستند. کلمه رأی بار حقوقی دارد و تصمیمی قضائی است که قاطع دعوا است در حالی که نظریه این ویژگی را ندارد. به نظر می‌رسد تعمداً از کلمه رأی استفاده شده است تا مشاور دادگاه تجاری را در صدور رأی (هرچند که تحصیل کرده حقوق نیست و پایه قضائی ندارد) سهیم کند، چون دعاوی تجاری قبل از اینکه حقوقی باشند، تجاری و اقتصادی هستند، بنابراین تجار بهتر می‌توانند عرف خودشان را درک کنند و رأی‌شان به واقع نزدیک‌تر خواهد بود. چنانچه لایحه آیین دادرسی تجاری تصویب گردد تحولی بزرگ در نقش مشاور قضائی ایجاد می‌شود، تحولی که مشاور قضائی را در جایگاه شبه‌قاضی قرار می‌دهد. حضور مشاور قضائی نیز گامی در جهت تأمین عدالت قضائی خواهد بود و همین امر موجب ارتقای جایگاه سیستم قضائی نزد افراد جامعه می‌گردد. نتیجتاً اعتماد افراد جامعه به نظام قضائی افزایش می‌یابد که تبعات همه‌جانبه این امر در اجتماع بازتابی مثبت خواهد داشت. (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۸: ۹۴)

۲-۴. دستیار هوشمند قضائی

امروزه قابلیت چشمگیر هوش مصنوعی در پردازش و مدیریت داده‌های فراوان با سرعت بالا و دقت قابل‌توجه بر کسی پوشیده نیست (Wischmeyer, 2020: 225). یکی از جنبه‌های هوش مصنوعی به‌عنوان مشاور در رسیدگی‌های قضائی است. سرعت و دقت هوش مصنوعی ضمن حذف اطاله دادرسی، آسیب‌های ناشی از خطای انسانی در فرایند دادرسی را به حداقل می‌رساند. (حسینی و دیگران، ۱۴۰۲: ۶۷)

از مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت قضائی، دقیق‌بودن تصمیمات قضائی در تمامی مراحل رسیدگی به پرونده است (مسعودیان، ۱۳۹۸: ۱۱۳). استفاده از فناوری‌های هوشمند در فرایند صدور آراء و تصمیمات قضائی و ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و صدور آرای قضائی از دیگر راهکارهای ارائه‌شده در سند تحول قضائی در جهت اتقان آرای قضائی می‌باشد.

سامانه دستیار هوشمند قضائی با استفاده از تکنیک‌های هوش مصنوعی به قضات کمک می‌کند تا با اطمینان بیشتری اقدام به صدور رأی کنند. دستیار هوشمند قضائی، سامانه‌ای است که با استفاده از روش‌های به روز هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، به‌عنوان یار کمکی قاضی عمل نموده و با ارائه قابلیت‌هایی همچون تحلیل پرونده‌های مرتبط، یکپارچگی منابع مختلف اعم از قوانین، آرای وحدت‌رویه و نظریه‌های مشورتی در موضوع موردنظر، پاسخ به سؤالات احتمالی، پیشنهاد استفاده از نهادهای ارفاقی، ماشین حساب قضائی، ارائه اطلاعات آماری و سایر ماژول‌های هوشمند؛ به قاضی کمک می‌کند تا ضمن کاهش اطاله دادرسی، آرای عادلانه و مطابق با شاخصه‌های اتقان صادر نماید.

ایده اصلی در استفاده از این فناوری بر این پایه قرار دارد این فناوری‌ها کارهای روزمره کارمندان اداری را ساده می‌کنند، بنابراین باعث افزایش عملکرد فردی و سازمانی در دادگاه می‌شوند (Agrifoglio, 2016: 48). از طرفی تجربه نشانگر استقبال تدریجی و در گذر زمان از فناوری‌های نوین است (Mirthinti, 2022, 87).

برای تحقق این راه‌حل‌ها لازم است تا دستیار هوشمند قضائی برای مساعدت به قضات در فرایند رسیدگی جهت دسترسی یکپارچه به اطلاعات موردنیاز نظیر قوانین، آرای وحدت رویه، اصراری، نظریه‌های مشورتی، پرونده‌های مشابه، پرونده شخصیت مهم ایجاد شود و پیش‌نویس دادنامه با قابلیت اتصال به سامانه مدیریت پرونده فراهم گردد. باتوجه به مشکلات موجود ناشی از حجم پرونده‌ها در قوه قضائیه و مطالعه تطبیقی صورت‌گرفته، وجود نهاد دستیار قضائی در کنار قضات در ایران هم ضروری و هم ممکن است. تجربه کشورهای که سابق‌های در این زمینه دارند نشان می‌دهد که چارچوب‌بندی قانونی وظایف و اختیارات این نهاد و نحوه آموزش و انتخاب آن‌ها می‌تواند ایرادات و اشکالات احتمالی موجود را از میان بردارد و دستیار قضائی را به‌عنوان یک نیروی کارآمد در کنار قاضی قرار دهد. بااینکه ضرورت وجود این نهاد و نیاز میرم به نیرویی در دادگاه‌ها برای سامان‌دادن به رسیدگی پرونده‌ها به‌شدت احساس می‌شود، اما تأسیس و ایجاد آن نباید بی‌پروا و بدون مطالعه و بررسی و آزمون انجام شود (سلطانی، ۱۳۹۸، ۲۱).

دستیار هوشمند قضائی یک سیستم پیشرفته هوشمند است که با استفاده از تکنولوژی هوش مصنوعی، به قضات در فرایند تصمیم‌گیری و اخذ رأی کمک می‌کند. این سیستم از سه تکنیک مهم برای ارتقاء کیفیت و تصمیم‌سازی دادنامه قضات استفاده می‌کند. اول اینکه، توانایی تحلیل متون حاوی اطلاعات حقوقی را داراست. با ارتباط با قوانین و مقررات مختلف، می‌تواند به‌صورت خودکار پیش‌نویس‌هایی از رأی‌های قضائی را تهیه کند. این به قاضی کمک می‌کند تا باتوجه به اطلاعات حقوقی موجود، تصمیم‌های بهتر و منطقی‌تری را اتخاذ نمایند. دوم این ریات توانایی پاسخ به پرسش‌ها و ابهامات حقوقی را دارد و می‌تواند توضیحات و راهنمایی‌هایی ارائه دهد. این ابزار می‌تواند به قضات کمک کند تا بهبودی در سؤالات پرتکرار در جریان رسیدگی ایجاد شود و سوم اینکه این سیستم با تحلیل آرای گذشته و عوامل مختلف مرتبط با پرونده‌های قضائی، توانایی پیش‌بینی نتایج احتمالی را داشته و احتمال موفقیت رأی‌ها را تخمین می‌زند. این ابزار به قضات در اتخاذ تصمیمات براساس اطلاعات و آمارهای قضائی کمک شایانی می‌کند.

درواقع نمی‌توان ادعا کرد که درحال حاضر امکان جایگزینی هوش مصنوعی به‌جای قاضی فراهم شده، لذا لازم است همچنان قاضی در رأس امور قرار داشته و بر تمام مراحل دادرسی نظارت داشته

باشد، زیرا بر این امر اذعان شده که هنوز هوش مصنوعی با قابلیت‌های فراتر از انسان در تمام ابعاد و حتی برابر با آنکه بتواند تمام کارکردهای احساسی، درک و... در خود را داشته باشد که اصطلاحاً به آن هوش مصنوعی قوی گفته می‌شود در دسترس بشر قرار ندارد (Shabbir, 2015: 1-2).

۲-۵. ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و صدور آرای قضائی

اصل علنی بودن دادرسی از تضمینات مهم امنیت قضائی است؛ زیرا مردم می‌توانند در جلسات دادرسی حضور پیدا کنند؛ در جریان محاکمات قرار گیرند و در یک داوری عمومی، منصفانه بودن آن را ارزیابی نمایند (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۸۹۶) یکی از مؤثرترین راه‌های ارتقاء کیفیت عملکرد قوه قضائیه و یکی از کارآمدترین روش‌های مبارزه با فساد در دستگاه قضائی در همه کشورها، «علنی‌سازی» آرای قضات است. «علنی‌سازی» به این صورت است که با ایجاد یک سامانه قضائی تمام پرونده‌هایی قضائی که مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند به‌صورت آزاد و رایگان در دسترس افکار عمومی گذاشته می‌شود تا شرح حال پرونده و شیوه «استنتاج قضائی» در معرض بررسی و قضاوت عموم قرار گیرد. درواقع در این طرح، فرض بر این است که وقتی حکمی مورد راستی‌آزمایی و بررسی موشکافانه ناظران به‌ویژه حقوق‌دانان، دانشگاهیان، محققان، دانشجویان حقوق و رسانه‌ها قرار می‌گیرد، احتمال خطا و لغزش قاضی بسیار کمتر می‌شود. درواقع یکی از مؤثرترین راه‌های ارتقای کیفیت عملکرد قوه قضائیه و یکی از کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین روش‌های مبارزه با فقر دانش حقوقی در دستگاه قضائی در همه کشورها، علنی‌سازی آرای قضات است (نیک‌نژاد و حیدری، ۱۴۰۰: ۱۸۰). در بسیاری از کشورها، این شیوه «علنی‌سازی» سال‌هاست اجرا می‌شود. به‌عنوان مثال، در کانادا سامانه‌ای با یک جست‌وجوگر قوی به اسم CanLII وجود دارد که در آن همه احکام از تمام شعب دادگاه‌ها - به فاصله دو روز پس از صدور رأی - در آن ذخیره می‌شود و می‌توان براساس نام پرونده یا قاضی پرونده را جست‌وجو کرد. در آمریکا، انگلیس، فرانسه، استرالیا و حتی بسیاری از کشورهای آفریقایی نیز این مدل علنی‌سازی برای ارزیابی عمومی صحت و سقم احکام پیاده می‌شود. علنی‌کردن آرای دادگاه‌ها همچنین در شاخص‌های مرتبط با نظام قضائی مورد تأکید قرار گرفته و ارزیابی می‌شود. این سامانه‌ها در اغلب موارد تحت مدیریت و اختیار نهادهای علمی یا صنفی (غیردولتی) مانند دانشگاه‌های حقوق یا کانون وکلا اداره می‌شوند. به‌عنوان مثال، در کانادا، سایت CanLII توسط کانون وکلای این کشور تأسیس شده و اداره می‌شود؛ و در آمریکا، دانشکده حقوق دانشگاه کورنل (Cornell Law School) اداره سامانه مربوطه را برعهده دارد.

البته این سامانه در مراحل اولیه راه‌اندازی خود قرار دارد و به‌همین دلیل دارای دسترسی محدود

است. در وهله اول دادنامه‌های قضائی در اختیار کارشناسان قوه قضائیه قرار می‌گیرد و در تهیه کارنامه قضائی قضات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مراحل بعدی توسعه سامانه، دایره کاربران بیشتر شده و در نهایت دادنامه‌های قضائی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

کاربران می‌توانند با توجه به شاخص‌هایی که برای آن کاربر تعریف شده امتیاز بدهند. کاربران می‌توانند کلیدواژه‌هایی را ذیل یک دادنامه پیشنهاد کنند و در صورت تأیید، آن کلیدواژه نمایش داده خواهد شد. همچنین کاربران می‌توانند نظرات، نقدها و مستندات خود را در مورد هر دادنامه ارائه بدهند که در صورت تأیید، آن‌ها ذیل دادنامه نمایش داده خواهند شد. کاربران می‌توانند پس از بررسی دادنامه‌ها، گروهی از دادنامه‌ها را جهت اعمال وحدت‌رویه پیشنهاد نمایند که در این صورت پس از بررسی و تأیید مدیریت سامانه، دادنامه‌های مورد نظر در گروه‌های وحدت‌رویه قرار خواهند گرفت. همچنین می‌توانند دادنامه‌های مورد علاقه خود را در یک گروه قرار دهند و آن‌ها را به راحتی دنبال کنند. رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، افزایش دانش و آگاهی حقوقی مردم را توصیه کردند.

در راستای تحقق این توصیه باید توجه داشت که دانش حقوقی تنها از طریق آموزش افزایش پیدا نمی‌کند بلکه بهترین راه ایجاد شفافیت قضائی و به تبع آن ایجاد بلوغ حقوقی در مردم و کارشناسان است. طراحی و عملیاتی کردن سامانه تداوم‌گامی مؤثر در افزایش سطح آگاهی مردم و همچنین ارتقای دانش حقوقی کشور می‌تواند باشد به شرطی که در ادامه کار با جدیت علنی‌سازی آرای قضات دنبال شود و حتی قضات را در مقابل آرای صادره پاسخگو کرد. علاوه بر این بهتر است که در ادامه توسعه سامانه تدا، به طرفین پرونده دسترسی داده شود که نظرات خود را در خصوص دادنامه صادره عنوان کنند و این نظرات نیز منتشر شده که منجر به ارزیابی دقیق و در نتیجه افزایش کیفیت آراء شود. همچنین یکی از نکات کلیدی که در سند تحول قضائی بر عهده مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه قرار گرفته است ضبط مراحل رسیدگی در دادسراها و فراهم‌سازی برخط دادگاه‌ها است به‌طوری‌که بایستی شرایطی ایجاد شود که بتوان این دادگاه‌ها را به‌صورت برخط در اختیار عموم مردم قرار داد، اما موضوع مهمی که در برگزاری این نوع دادگاه وجود دارد دستاوردهای آن است. انتقاد آرای قضائی و شفافیت، افزایش آگاهی‌های حقوقی سه ویژگی مهم و ارزشمند برگزاری روند دادرسی دادگاه‌ها به‌صورت برخط می‌باشد.

در حال حاضر دادگاه‌های علنی برخط به صورت متناوب تقریباً در برخی از محاکم حال برگزاری است. در این نوع از شیوه برگزاری دادگاه عموم مردم می‌توانند حضور داشته باشند. این نوع جلسات رسیدگی در بالابردن آگاهی‌های قضائی، آشنایی با مباحث حقوقی، بالابردن کیفیت آراء، بالابردن

کیفیت دفاع وکلا، بهره‌مندی دانشجویان حقوق، نقد جامعه‌نخبگانی و دانشگاهی و افزایش ظرفیت نقد بسیار مشرثمر است.

۲-۵-۱. میزان دسترسی به آراء قضائی در ایران

در حال حاضر قوه قضائیه در راستای عمل به قانون برنامه پنجم توسعه، در حال طراحی و راه‌اندازی سامانه‌ای با عنوان «سامانه آرای قضائی» است که در آن آرای دادگاه‌ها به صورت منتخب در دسترس قضات، حقوق دانان، پژوهشگران و عموم مردم، البته هر يك با سطح دسترسی تعریف شده، قرار داده می‌شود. این سامانه یکی از منابع حقوق به شمار می‌رود که مردم می‌توانند از آن اطلاعات مناسبی کسب و قواعد حاکم بر زندگی اجتماعی خود را پیدا کنند. وظیفه این سامانه اطلاع‌رسانی درباره قوانین نیست، بلکه کارکرد اصلی آن کمک به شکل‌گیری رویه قضائی است و با این هدف ایجاد شده است که آراء در معرض دید و داوری صاحب‌نظران و مردم قرار بگیرد. انتشار آراء در کنار نقد و تحلیل منصفانه، به شکل‌گیری رویه‌ها و قرائت‌های عادلانه کمک می‌کند. سامانه آرای قضائی شیوه‌ای نو در انتشار آراء و شکل‌گیری رویه قضائی به شمار می‌رود.

پژوهشگاه قوه قضائیه نیز اقدام به بررسی و تحلیل آراء و انتشار آن‌ها در قالب فصلنامه مطالعات آراء قضائی نموده است که در سال ۱۳۹۱ اولین شماره آن منتشر شد. پژوهشگاه قوه قضائیه ضمن بذل مساعی در به‌ثمر رسیدن هرچه زودتر سامانه نقد و تحلیل آرای قضائی، حاصل تلاش اولیه کارشناسان را که بر آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری تمرکز یافته است در قالب مجموعه رویه قضائی انتشار داده است.

۲-۵-۲. استخراج و انتشار آرای قضائی

ضرورت استخراج و انتشار رویه قضائی بدین جهت است که کلی‌بودن قانون باعث ارائه تفاسیر متفاوت از سوی محاکم می‌گردد به طوری که مضمون و نحوه اجرای قواعد حقوقی در رویه محاکم استخراج و با تفسیر قوانین به واسطه حل و فصل دعاوی بخش اعظمی از حقوق هر کشور را پایه‌ریزی می‌نمایند. از طرفی انتشار مرتب و سازمان‌یافته آراء دادگاه مناسب‌ترین راه مقابله با تعارضات در تفسیر قواعد حقوقی و اجرای مقررات در نظام حقوقی و جهت‌دادن نظام به سمت ایجاد وحدت رویه قضائی و جلوگیری از تعارضات حقوقی است.

از دیگر مزایای انتشار آرای قضائی موجب هماهنگی بیشتر بین آراء محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی می‌گردد به طوری که به جرئت می‌توان گفت که شاید دیگر نیازی به صدور آراء وحدت رویه در هیئت عمومی دیوان عالی کشور نباشد. مجموعه آرای این مراجع نیز می‌تواند در آگاهی قضات از نحوه صدور رأی توسط سایر دادرسان در موارد مشابه و شکل‌گیری رویه قضائی، بسیار مؤثر باشد (فاطمی و جلالی، ۱۳۹۴: ۴۰).

«تجربه کشور فرانسه در این باره بسیار عبرت آموز است. در واقع کشور ما روال ایجاد آرای وحدت رویه قضائی از طریق آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور را از حقوق فرانسه اخذ کرده است. عملاً در این کشور وظیفه عمده ایجاد وحدت رویه قضائی بر عهده آراء شعب کشور است و نه آراء وحدت رویه دیوان. توضیح آنکه انتشار مرتب آراء شعب دیوان در موضوعات مختلف حقوقی سبب شده است تا دادگاه های تالی با اطلاع از رویه شعب دیوان (که در موضوعات مختلف تقسیم بندی تخصصی شده اند) و در کمتر موردی آرای متعارض صادر شود و عملاً نیاز بسیار اندکی به تشکیل هیئت عمومی و صدور آراء وحدت رویه باشد. در عمل در طی سال کمتر از تعداد پنج رأی از آرای وحدت رویه صادر می گردد و این امر به موضوعاتی که تعارض آراء در آن بسیار بوده و به رغم سازوکار فوق، افتاع وجدانی در مورد برتری یک راه حل بر دیگری حاصل نشده، خلاصه می شود.» (بابایی، ۱۳۹۲: ۱۲) به طوری که در فرانسه انتشار و استناد به تصمیمات دیگر دادگاه ها تا حد زیادی به نوعی عرف رایج میان قضات و حقوق دان ها تبدیل شده است (Hadfield, 2006).

۲-۶. تحول در فرایند کارشناسی

اهمیت ارجاع موضوع کارشناسی بدین جهت است که همین که امری به کارشناسی ارجاع گردید، طرفین دعوی حق دارند احساس نگرانی کنند، چون با ارجاع به کارشناس در دعوا، اختیار دعوا از محکمه خارج شده و به دست کارشناس می افتد، هر چند که اگر نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مطابق نباشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد اما اظهار شده که اثبات این مغایرت آسان نیست و به واسطه دشواری اثبات این امر حقوق بسیاری از اشخاص تضییع شده است (خلعیری، ۱۳۹۲: ۱۴). امروزه سهم کارشناسی در تمیز حق و جریان تحقیق گسترش بیشتری یافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۱۷). در سند تحول قضائی به منظور افزایش اتقان آراء صادره راهکارهای متعددی مطرح شده که بخشی از این راهکارها در حوزه کارشناسی تعریف شده است.

آسیب هایی که در فرایند ارجاع موضوع به کارشناس در محاکم وجود داشته و دارد مشتمل بر فقدان سازوکار مناسب جهت انتخاب کارشناس و ارجاع موضوع، کلی بودن معیارهای انتخاب کارشناس و عدم رعایت عدالت در ارجاع موضوع کارشناسی، صدور نظرات کارشناسی نادرست، عدم محدودیت برای تعداد دفعات اعتراض اصحاب دعوا به نظریات کارشناسی و همچنین استناد نداشتن شیوه اخذ نظرات کارشناسی در موضوعات مختلف است. از راهبردهای مطرح شده در این حوزه حذف مداخلات انسانی در ارجاع و ارائه نظرات کارشناسی است که در این رابطه راهکارهایی از جمله ارجاع کارشناسی به صورت تخصصی و هوشمند و بدون مداخله عامل انسانی به کارشناسان، و دریافت سیستمی نظرات و استفاده حداکثری از فناوری های نوین و هوش مصنوعی به منظور ارائه برخی از

نظرات کارشناسی به جای ارجاع به کارشناس با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط مطرح شده است. وجود آسیب‌های مذکور در فرایند ارجاع موضوع به کارشناس اولاً منجر به اعمال سلیقه در انتخاب کارشناس و ارجاع مستقیم موضوع به یک کارشناس خاص شده که زمینه تبانی با کارشناس را فراهم می‌کند ثانیاً، امکان نظارت و ارزیابی اتقان نظرات کارشناسی را از بین برده است. مهم‌ترین سازوکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول قضائی در این خصوص عبارتند از:

۲-۶-۱. ارجاع کارشناسی به صورت هوشمند

استفاده از فناوری‌های هوشمند و نوین در فرایند صدور آراء و تصمیمات قضائی یکی از راهبردهایی است که در رسیدگی به تظلمات، تعدیات، دعاوی و رفع خصومات در سند تحول قضائی مورد توجه قرار گرفته است. با عمل به این رویکرد اقدامات فراوانی در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه صورت گرفته است. یکی از این اقدامات راه‌اندازی سامانه ارجاع هوشمند به کارشناس با هدف کاهش اطاله دادرسی، اتقان آرای قضائی و حذف مداخلات انسانی است که هم‌اکنون با تلاش‌های مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه اجرایی شده است. توزیع عادلانه پرونده میان کارشناسان، از بین رفتن ارجاع پرونده تنها به یک‌سری از کارشناسان، ارجاع پرونده به کارشناس از طریق قرعه کشی، حذف مداخلات انسانی، تعیین فرصت به کارشناس برای امر کارشناسی، افزایش نظارت‌پذیری با بررسی عملکرد کارشناسان، کنترل دقیق فرایندها، عدم ارجاع در صورت وجود پرونده در دست کارشناسان از موضوعاتی است که در این سامانه مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۶-۲. ایجاد مؤسسات تخصصی کارشناسی رسمی دارای مسئولیت تضامنی

زمینه‌سازی برای ایجاد مؤسسات تخصصی کارشناسی رسمی دارای مسئولیت تضامنی با ایجاد مشوق‌های لازم و کاهش تدریجی سهم ارجاع به کارشناسان حقیقی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط از جمله موارد جدید و فاقد سابقه در حوزه کارشناسی است. نمونه حرفه‌ای این اقدام را می‌توان در جامعه حسابداران رسمی مشاهده نمود.

۲-۶-۳. ایجاد صندوق ضمانت مسئولیت کارشناسان رسمی

فراهم‌سازی زمینه ایجاد «صندوق ضمانت مسئولیت کارشناسان رسمی» توسط مؤسسات و کارشناسان رسمی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، وظیفه‌ای مصرح در قانون کارشناسان است که سال‌هاست مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و با افزایش شکایات‌ها و پیگیری‌های قانونی از طرف اصحاب دعوی، مرجع قضائی را وادار به تأکید بر ایجاد این حمایت حرفه‌ای لازم و وظیفه قانونی فراموش شده توسط مراکز قانونی کارشناسی توسط خودشان نموده است.

۲-۶-۴. ایجاد نظام ارزشیابی و رتبه‌بندی و افزایش تدریجی سهم ارجاع به مؤسسات بالاتر

و تقویت فضای رقابتی

ایجاد نظام ارزشیابی و رتبه‌بندی و افزایش تدریجی سهم ارجاع به مؤسسات بالاتر با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، می‌تواند عامل مهمی در جلوگیری از اعطای صلاحیت‌های کارشناسی بدون توجه به سوابق حرفه‌ای و مستند کارشناسان ارزیابی شود. دارا بودن رتبه‌های بالاتر لزوماً تضمینی برای افزایش کیفی نظریات کارشناسی نیست. پذیرش کارشناس رسمی براساس صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی و حرفه‌ای به‌صورت رقابتی با تعیین ضوابط لازم و بدون تعیین سقف ظرفیت عددی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط رویکردی جدید و فاقد سابقه است. در نمونه واقعی، استفاده از خیرگان در کارشناسی‌ها در سنوات گذشته است که هم‌اکنون محاکم ملزم به به‌کارگیری کارشناسان رسمی هستند. همچنین راهکار مناسب، پذیرش کارشناس رسمی براساس صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی و حرفه‌ای به‌صورت رقابتی با تعیین ضوابط لازم و بدون تعیین سقف ظرفیت عددی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط است. بررسی وضع موجود نشان از این دارد که این راهکار در شرایط فعلی به‌صورت صحیح و کامل اجرایی نشده و تعیین سقف ظرفیت عددی و فرایند طولانی از زمان قبولی از زمان قبولی در آزمون تا ورود به جرگه کارشناسی از جلدی‌ترین موانع تحقق این راهکار می‌باشد (آهنگران و ناصری، ۱۳۹۹: ۴۷).

۲-۶-۵. ایجاد کاربرگ‌های استاندارد برای ارائه نظرات کارشناسی

استانداردسازی فرایند ارجاع و اخذ نظرات کارشناسی و ایجاد کاربرگ استاندارد برای فرایند کارشناسی درسامانه مدیریت پرونده به‌منظور ذکر دلایل ضرورت ارجاع به کارشناسی و موضوعات لازم برای اظهارنظر در قرار ارجاع به کارشناسی توسط قضات و گواهی بر فقدان نقص، ابهام و اجمال در نظرات اخذشده و نیز تعیین محدودیت برای تعداد دفعات اعتراض اصحاب دعوا به نظرات کارشناسی ومحدودسازی مراحل ارجاع به کارشناس تا مرحله هیئت کارشناسی پنج‌نفره و ارجاع پرونده‌ها بعد از مرحله سه‌نفره به انجمن‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی تأیید صلاحیت شده و در صورت فقدان این مراکز ارجاع به کارشناسی پنج‌نفره با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، در قالب عامل اطلاع در فرایند کارشناسی، صرفاً از بابت جلوگیری از ارجاعات مکرر کارشناسی و اطلاع دادرسی دارای تأثیر بوده لیکن ارجاع پرونده‌ها بعد از مرحله سه‌نفره به انجمن‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی تأیید صلاحیت شده فاقد مبنای قانونی بوده و به‌نظر می‌رسد در میان مدت هم امکان اصلاح قوانین و مقررات مرتبط میسر نگردد. از طرفی ایجاد ساختار نظارتی و انتظامی بر انجمن‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی تأیید صلاحیت شده نسبت به وضعیت موجود از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار خواهد

بود. پذیرش بدون چون و چرای اعتراضات به نظریات کارشناسی تنها دلیل افزایش این موارد در این حوزه است و پیشنهاد می‌شود به جای رویه‌های جدید فوق، ساماندهی ارجاع مکانیزه و حذف مداخلات انسانی در حداقل زمان ممکن، انجام و مراجع قضائی نیز به صرف اعتراض احدى از طرفین پرونده و بدون مطالعه و بررسی پرونده، جهت خریدن وقت، از ارجاع بدون دلیل و بررسی خودداری نمایند. در صورت نظارت واقعی حرفه‌ای از سوی کانون کارشناسان و عمل کردن به تکالیف قانونی خویش، با حذف و محدود کردن فعالیت کارشناسانی که نسبت به صدور نظریات کارشناسی بدون کیفیت نموده‌اند، بسیاری از مشکلات این حوزه نیز برطرف خواهد شد.

۲-۶. تعیین محدودیت برای اعتراض متداعیین در ارجاع به کارشناسی

بررسی شرایط موجود نشان می‌دهد که عملاً هیچ منعی برای ارجاع کار به کارشناسان با تعداد افراد بیشتر وجود ندارد و در خیلی از موارد جواب کارشناسی‌های بالاتر مشابه یا منطبق با نظریات قبلی است. البته در هیچ یک از مواد قانونی، طرح اعتراض به نظر کارشناس مقید به ذکر جهت خاصی نشده است اما دادرس در صورتی می‌تواند نسبت به اعتراض اصحاب دعوا توجه نماید که اعتراض را وارد تشخیص دهد و این امر با ذکر علت و جهت طرح اعتراض امکان‌پذیر است (حیدری و رزمجو، ۱۳۹۳: ۱۷۶) به نظر می‌رسد محدودسازی ارجاع به کارشناسی تا هیئت کارشناسی پنج نفره به استثنای موارد خاص تا حدود زیادی می‌تواند این تقیصه را برطرف نماید.

۲-۶-۷. افزایش تضمین استقلال در صدور نظریه کارشناسی

کارشناس باید مانند قاضی در اظهارنظر کارشناسی کاملاً مستقل و به دور از هرگونه تاثیر پذیری از جانب اصحاب دعوا یا هر نهاد دیگر مبادرت به اظهارنظر کارشناسی کند و نباید تحت فشارهای جانبی یا نگرانی‌های ناشی از هرگونه جانبداری نسبت به موضوع اظهارنظر نماید که اگر چنین کند، علاوه بر اینکه مرتکب تخلف شده، موجبات تضییع حقوق دیگران را نیز فراهم کرده است (صمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). اگر ارجاع موضوع به کارشناسی به صورت سیستمی و به صورت قرعه‌کشی انجام پذیرد عملاً امکان تضمین استقلال در صدور نظریه کارشناسی تأمین می‌گردد.

۲-۷. افزایش کیفیت اخذ شهادت شهود و اظهارات مطلعین

«اظهارات خلاف واقع برخی از شهود و مطلعین» هم چهارمین عامل در این بخش است که با دو راهبرد پیشنهادی «افزایش کیفیت اخذ شهادت شهود و اظهارات مطلعین و افزایش تبعات شهادت کذب» در سند تحول مورد اشاره قرار گرفته است.

گواهی شاهد در صورت کذب بودن، روند تحقیقات و دادرسی را از مسیر صحیح عدالت منحرف می‌سازد و افزون بر صدمه به اعتبار و جایگاه شهادت، می‌تواند آثاری از قبیل اطاله یا اعاده دادرسی نیز

در پی داشته باشد. تأثیرگذاری شهادت کذب در رأی مرجع قضائی، به‌عنوان عامل مشدده به شمار آورده شود. به‌عبارت‌دیگر، بی‌آنکه لازم باشد شهادت کذب به جرمی مقید تبدیل شود، در مواردی که شهادت دروغ در صدور رأی مؤثر واقع می‌شود، مجازات تعزیری تشدید گردد. این در حالی است که هم‌اکنون تفاوتی بین حالتی مرجع قضا که شهادت کذب در قرار یا حکم تأثیر بگذارد یا خیر، وجود ندارد. همچنین با توجه به ترویج دادرسی‌های الکترونیکی، مرکز فناوری مطالعات قوه قضائیه، مشخصات کامل شاهدان را در سامانه مدیریت پرونده‌های قضائی درج کند؛ به‌طوری که موضوع شهادت، دفعات ادای شهادت و حوزه قضائی اخذ شهادت از سوی فردی معین برای همه محاکم و دادرها قابل دسترس باشد. در این صورت، سوءاستفاده از جایگاه و اعتبار شهادت که ممکن است پیشتر به‌وسیله شخص موردنظر انجام گرفته باشد، برای مقام قضائی روشن خواهد شد (اعتمادی و زالی‌پور مداب، ۱۴۰۱: ۱۹۰) در ققه و حقوق موضوعه نیز برای شاهد دروغگو که از آن در ققه به‌عنوان «شاهد الزور» تعبیر می‌شود، مسئولیت کیفری وجود دارد. این جرم از جمله جرایمی می‌باشد که صرفاً با فعل مادی تحقق می‌یابد و از طریق ترک فعل هرچند کتمان حقیقتی صورت می‌گیرد، اما بزه شهادت کذب واقع نمی‌شود (بهبودی و دادخواه، ۱۳۹۹: ۹۵).

راهکارهای مطرح شده در سند تحول جهت تحقق این راه‌حل اساسی، اعتبارسنجی شهادت شهود و مطلعین با دسترسی مستقیم به پایگاه‌های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی، ایجاد کاربرگ استاندارد اخذ شهادت شهود و مطلعین در سامانه مدیریت پرونده، افزایش تبعات شهادت کذب، ثبت اطلاعات هویتی شاهد، مطلع و موضوعات شهادت با ایجاد سامانه شهود و مطلعین و افزایش مجازات شهادت کذب در مراحل رسیدگی با افزودن محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی به مجازات قانونی شهادت کذب متناسب با موضوع شهادت با ایجاد زیرساخت حقوقی لازم است.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

با عنایت به اینکه عدالت قضائی مفهومی کیفی است، ارزیابی میزان تحقق عدالت در دستگاه قضائی مستلزم وجود شاخصه‌ها و معیارهای کمی و عینی است. به‌منظور سنجش میزان تحقق عدالت در دستگاه قضائی، قانون اساسی شاخصه‌هایی پیش‌بینی و تهییداتی را برای تضمین هر یک از آن‌ها ذکر کرده است. از جمله این شاخصه‌ها، اِثقان دادرسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق عامه از دستگاه قضا می‌باشد.

امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های قوه قضائیه عدم اِثقان کافی در فرایند رسیدگی و صدور آراء

است که به همین دلیل هم اکنون علت عمده درخواست قوه قضائیه در افزایش بودجه و دیگر منابع، به ویژه منابع انسانی را تشکیل می دهد.

هم اکنون سند تحول قضائی یکی از مهم ترین، به روزترین و متعالی ترین سندهای کشور است که زمینه دسترسی بیشتر مردم به عدالت را فراهم می سازد. این سند که با بهره گیری از دیدگاه و نظر متخصصان و صاحب نظران نگاشته شده بر مبنای اسناد بالادستی من جمله اصول قانون اساسی، سیاست های کلی نظام و بیانات رهبر معظم انقلاب استوار شده و برای مسئله اتقان آراء استفاده از فناوری های هوشمند و نوین در فرایند صدور آراء و تصمیمات قضائی یکی از راهبردهایی است که در جهت اتقان آراء در سند تحول قضائی مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ به طوری که در بخشی از حکم انتصاب حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه ای به ریاست قوه قضائیه، مقام معظم رهبری گسترش فناوری های نوین را مورد تأکید قرار داده اند.

از طرفی ضعف در زیرساخت های مکمل برای صدور آراء و تصمیمات متقن، یکی از عواملی است که سبب ضعف در اتقان آراء و تصمیمات قضائی و در نهایت به مخاطره افتادن امنیت قضائی به عنوان یکی از مهم ترین مصادیق حقوق عامه می شود. با مطالعه سند تحول قضائی ملاحظه می شود که بخش هایی از چالش های موجود شناسایی شده در سند تحول درخصوص اتقان آراء مستلزم ایجاد و تخصیص امکانات و تجهیزاتی است که عمدتاً در اختیار نظام قضائی نمی باشد. مضافاً اینکه، ضرورت همکاری همه جانبه قوای دیگر را می طلبد که معمولاً دعاوی و اختلافات سیاسی موجود در آن چنین همکاری هایی را کاهش داده و طبیعتاً سرعت نیل به اهداف موجود در سند را، کند می نماید. همچنین ضمانت اجرای عدم تحقق راهکارها در سند تحول درخصوص اتقان آراء پیش بینی نگردیده، زیرا اساساً بعضی از تحولات پیش بینی شده در چارچوب اختیارات قوه قضائیه نیست؛ بنابراین تعیین زمان بندی برای تحقق اهدافی که خارج از اختیارات قوه است، امر مقبولی قلمداد نمی شود. در راستای تحقق اهداف سند تحول قضائی در جهت نیل به اتقان بیشتر آراء و ارتقای حقوق عامه پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد:

۱- تصمیم جدی شورای عالی کانون کارشناسان جهت اجرایی شدن و پیاده سازی اهداف سند تحول قضائی در راستای نیل به اتقان بیشتر آراء با بهره گیری از ظرفیت اساتید دانشگاه، کارشناسان رسمی با سابقه و دلسوز و مدیران.

۲- نظارت جدی و مستمر معاونت فناوری و راهبردی قوه قضائیه بر اجرای سند تحول قضائی و ارائه گزارش مستمر ماهانه به ریاست محترم قوه قضائیه.

- ۳- تقدیر از قضات و کارمندان شاخص در اجرای صحیح سند تحول قضائی منجر به صدور آرای متقن در قالب برگزاری همایش یا جشنواره‌های فصلی و سالانه.
- ۴- ایجاد فضای رقابتی و اعلام رتبه‌بندی دادگستری استان‌ها و نیز رتبه‌بندی دادگستری شهرستان‌های هر استان به‌صورت ماهانه و سالانه در تحقق اهداف سند تحول قضائی.
- ۵- اعلام مؤلفه‌های آرای متقن به محاکم و ایجاد مشوق‌های مالی برای اجرای سند تحول قضائی و صدور آرای متقن.
- ۶- آموزش و برگزاری دوره‌های متناسب با سرفصل‌های سند تحول قضائی در جهت افزایش صدور آرای متقن.
- ۷- تدوین آیین‌نامه‌ها پیش‌بینی شده در سند تحول قضائی و نیز صدور بخشنامه‌های موردنیاز در جهت تسهیل اجرایی شدن سند تحول قضائی و تحقق صدور افزایش آرای متقن.
- ۸- تأمین زیرساخت‌ها و امکانات لازم برای اجرایی شدن اهداف سند تحول قضائی از طریق تخصیص بودجه اختصاصی سالانه به قوه قضائیه.

منابع

فارسی

- اسدی، لیلآسادات (۱۳۸۲)، *دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری*. ۴۵.
- اسدی، لیلآسادات (۱۳۸۶)، *سیاست افتراقی در رسیدگی به دعاوی خانوادگی و راهبردهای آن، فقه و حقوق خانواده*، ۱۲ (۴۷)، ۹-۲۷.
- اعتمادی، امیر و زالی پور مناب، مهران (۱۴۰۱)، *شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ۱۹ (۱)، ۲۵۳-۲۷۸.
- انصاری، باقر (۱۳۹۹)، *تنقیح قوانین و مقررات: تلخیصی برای ابهام حقوقی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی*، شماره ۱۱.
- آهنگران، محمدرسول و ناصری، جمال‌الدین. (۱۳۹۹)، *وضع فعلی کانون کارشناسان در چشم‌انداز سند تحول قضائی، فصلنامه قضاوت*، ۲۰ (۱۰۳)، ۴۱-۵۵.
- بابایی، ایرج (۱۳۹۲)، *استخراج و انتشار رویه قضائی دادگاه‌های کشور: معرفی ابعاد و چشم‌انداز بولتن آراء و رویه قضائی در پژوهشگاه قوه قضائیه، فصلنامه رأی، دوره ۲*.
- بهبودی، بهرام و دادخواه، مجید (۱۳۹۹)، *واکاوی فقهی حقوقی مسئولیت کیفری شهادت کذب، مجله آراء، شماره ۱۹، ۹۵-۱۲۵*.
- پروین، خیرالله، فرامرزی، رضا و پاشایی امیری، امین (۱۳۹۹)، *تنقیح قوانین و مقررات گامی در تضمین اصل امنیت حقوقی، فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۹ (۳۰)، ۹۵-۱۱۶.
- چوبک، میمنت (۱۳۷۷)، *جامعه ما نیاز به قاضی زن دارد، مجله حقوق زنان، سال دوم*.
- حسینی، احمد، عبدخلاتی، زهره و شریف‌خانی، محمد (۱۴۰۲)، *کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضائی، چالش شفافیت و راهکارهای آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۲۸ (۱۰۱)، ۶۷-۹۰.
- حیدری، سیروس و رزمجو، محمدحسین. (۱۳۹۴)، *اعتراض به‌نظر کارشناس. حقوق اسلامی*، ۱۱ (۴۳)، ۱۶۵-۱۹۴.
- خلعتیری، ارسلان (۱۳۲۹)، *کارشناسی، کانون وکلا، شماره‌های ۱۸ و ۱۹*.
- ذبیحی، عاطفه. (۱۴۰۱)، *شاخص‌های اقبال آرای قضائی مستند به اسناد بین‌المللی؛ با تأکید بر آرای دعاوی خانواده، مجله حقوقی دادگستری*، ۸۶ (۱۲۰)، ۱۱۷-۱۳۸.
- رفیعی طباطبایی، مطهره‌السادات (۱۳۹۸)، *اهمیت و لزوم مشاوره حقوقی و قضائی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۹۸-۷۸*.
- رفیعی طباطبایی، مطهره‌السادات (۱۳۹۵)، *جایگاه مشاوره حقوقی و قضائی در نظام حقوقی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- سلطانی، سیدناصر (۱۳۹۸)، *دمتیار قضائی در فرانسه؛ نهادی برای تربیت قاضی و افزایش کیفیت و سرعت رسیدگی در ایران، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲۶ (۲)، ۱-۲۴.

- صمدی، سیدرسول (۱۳۹۶)، بررسی حقوق کارشناسان رسمی دادگستری در حقوق ایران، دو فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق خصوصی عدالت، شماره ۸، ۸۳-۱۰۴.
- عمید، حسن (۱۳۹۹)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات میلاد، چاپ دوم.
- فاطمی، ثریا و جلالی، محمد (۱۳۹۴)، جایگاه و نقش رویه قضائی دیوان عدالت اداری در حقوق اداری، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- قاسمی، مسعود، بیرانوند، مریم و نصرتی، یزدان، (۱۳۹۹)، اصول متناظر بر اصل علنی بودن دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوق بشر، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۲۸۹۵-۲۹۱۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، کارشناسی؛ علم و تجربه در خدمت عدالت، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۲.
- گلدوست، رجب، اشراقی، محمود و ناظریان، حسین (۱۳۹۱)، صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۵(۵۸).
- مسعودیان، مصطفی (۱۳۹۸)، تحلیل فقهی حقوقی شاخصه‌های عدالت قضائی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۸(۲۵)، ۱۰۳-۱۲۴.
- نیک‌نژاد، جواد و حیدری، نصرت (۱۴۰۰)، موجه، مستند و مستدل بودن رأی دادگاه و داور، پژوهش حقوق خصوصی، ۳۵(۳)، ۱۵۷-۱۸۶.

لاتین

- Agnifoglio, R., Metallo, c. & Lepore, J., (2016), Success Factors for Using Case Management System in Italian Courts, Information System Management, 33:1, 42-54.
- Hadfield, G. K. (2006), The quality of law in Civil Code and Common law regimes: judicial incentives, legal human capital and evolution of law, USC Center in Law, Economics and Organization Research Paper, No. C0 7-3.
- Mirthinti, Technology Adoption Curve: 5 Stages of Adoption, Whatfix, June 2020.
- Shabbir, J., & Anwer, T. (2015), "Artificial Intelligence and its Role in Near Future", Journal of Latex Class Files, Vol.14, No.8.
- Wischmeyer, T., & Rademacher, T. (2020), Regulating Artificial Intelligence, Springer.

